

بررسی رابطه بین افزایش سود همراه با افزایش درآمد با کیفیت سود شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران

محمد عرب‌مازار یزدی*، کامبیز کرانی**

چکیده

در این تحقیق، رابطه بین افزایش سود همراه با افزایش درآمد با کیفیت سود، مورد بررسی قرار گرفت. سوال مطرح این است؛ آیا شرکت‌هایی که به وسیله افزایش درآمد سودشان را افزایش می‌دهند، نسبت به شرکت‌هایی که با کاهش هزینه سودشان را افزایش می‌دهند، کیفیت سود بالاتری دارند؟ استدلال می‌شود مدیریت درآمدها سخت‌تر از مدیریت هزینه‌هاست؛ زیرا درآمد شناسایی شده به وسیله حسابرسان موشکافانه بررسی می‌شود؛ ولی پی‌گیری هزینه ثبت نشده برای حسابرسان مشکل خواهد بود [۱]. بنابراین شرکت‌هایی که از طریق افزایش درآمد سودشان را افزایش می‌دهند، نسبت به شرکت‌هایی که با استفاده از کاهش هزینه سود خود را افزایش می‌دهند، کیفیت سود بالاتری خواهند داشت. معیار کیفیت سود در این تحقیق، پایداری سود می‌باشد که با استفاده از مدل فریمن، السون و پنمن (۱۹۸۲) اندازه‌گیری شده است. جهت انجام این تحقیق، ۹۵ شرکت فعال در بورس اوراق بهادار تهران به‌عنوان نمونه آماری انتخاب شد و داده‌های تحقیق طی دوره زمانی ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۷ جمع‌آوری گردید. در این تحقیق از رگرسیون چندمتغیره برای برآورد الگوهای تحقیق استفاده شده و با به‌کارگیری نرم‌افزار SPSS داده‌ها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. بر اساس یافته‌های تحقیق، بین افزایش سود همراه با افزایش درآمد با کیفیت سود، رابطه معناداری وجود ندارد.

کلید واژه‌ها: سود، رشد درآمد، کیفیت سود.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۹/۱۲/۱۴، تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۰/۰۴/۰۴.

* دانشیار، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه شهید بهشتی.

** کارشناس ارشد حسابداری، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه شهید بهشتی (نویسنده مسئول).

Email: kambiz.korani@gmail.com

مقدمه

بازار سرمایه مهم‌ترین مکان برای جذب و هدایت سرمایه‌ها جهت تخصیص بهینه منابع می‌باشد. جهت تحقق این امر، باید اطلاعات مفیدی در اختیار سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان قرار گیرد. این اطلاعات از طریق صورت‌های مالی اساسی و به‌ویژه صورت‌حساب سود و زیان کسب می‌شود. سود گزارش شده در صورت‌حساب سود و زیان مبنای مناسبی برای تصمیم‌گیری است. سرمایه‌گذاران به دنبال فعالیت‌های سودآور هستند و سعی در افزایش سود دارند؛ ولی وجود محدودیت‌هایی سبب شده است که نتوان با اطمینان خاطر سود و روند افزایشی آن را مبنای تصمیم‌گیری قرار داد. بنابراین سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان جهت جلوگیری از تصمیم‌گیری نادرست، نباید فقط به سود و روند افزایشی آن اتکا کنند. یکی از معیارهای ارزیابی سود، کیفیت سود می‌باشد. از آن جایی که کیفیت سود به عوامل مختلفی چون نقدینگی، راهبرد مدیریت، فعالیت‌های عملیاتی شرکت، محافظ‌کاری و ... بستگی دارد، تعریف و ارائه معیارهای قطعی برای اندازه‌گیری آن به اعتقاد اکثر محققان امر ساده‌ای نیست. از نظر برچیلو و نیسیم (۲۰۰۲)، سود مالیاتی می‌تواند مبنای اطلاعاتی خوبی برای کیفیت سود باشد؛ زیرا سود مالیاتی، اثر معوقه‌های زیادی چون بدهی‌های سوخت‌شده و غیره را در نظر نمی‌گیرد. اسلوان و دیسیایی (۲۰۰۱) معتقدند که معوقه‌ها و جریان‌های نقدی، شاخص خوبی از کیفیت سود است. استفان و زانگ (۲۰۰۲) کیفیت سود را در تداوم و با پشتوانه بودن و کیفیت پایین را در عدم تداوم و بدون پشتوانه بودن سود بیان می‌کنند. به نظر آنها ثبات اصول از دوره‌ای به دوره‌ای دیگر منجر به تداوم سود و کاهش نگرانی‌ها در زمینه کیفیت آن می‌شود. بیشتر تحقیقات اخیر در زمینه کسب سود همچون تحقیقات هلی و هلن (۱۹۹۹) به تأثیر تغییر برآوردهای حسابداری متمرکزاند؛ یعنی تخمین‌هایی که به صورت معوق‌اند، از کیفیت پایینی برخوردارند. برخی نیز کیفیت سود را نزدیکی به نقد می‌دانند؛ یعنی هر چه سود به نقد نزدیک باشد، کیفیت پایینی خواهد داشت. به نظر برخی دیگر، کیفیت سود به دقت، صحت اندازه‌گیری‌ها و تخمین‌های مورد استفاده در اندازه‌گیری عناصر سود برمی‌گردد [۱].

بر اساس تحقیقات انجام‌شده، شرکت‌هایی که افزایش سود آنها همراه با افزایش درآمد است، نسبت به شرکت‌هایی که افزایش سود آنها همراه با افزایش درآمد نیست، کیفیت سود بالاتری دارند [۱۲]. در این تحقیق نیز ما به بررسی رابطه بین افزایش سود همراه با افزایش درآمد با کیفیت سود می‌پردازیم. با توجه به عدم وجود تحقیقات داخلی مشابه با موضوع فوق، امید است که این تحقیق بستر مناسبی را برای تحقیقات آتی فراهم آورد.

مروری بر پیشینه تحقیق

طبق بیانیه شماره ۱ مفاهیم حسابداری هیئت تدوین استانداردهای حسابداری مالی (۱۹۸۳)، استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی از سود استفاده‌های گوناگونی می‌کنند. آنها می‌توانند:

(الف) عملکرد مدیریت را ارزیابی کنند.

(ب) توان سودآوری شرکت را در طی یک افق طولانی‌مدت ارزیابی کنند.

(ج) سودهای آتی را پیش‌بینی کنند.

(د) مخاطرات سرمایه‌گذاری در شرکت یا اعتباردهی به آن را برآورد کنند.

صرف‌نظر از چگونگی استفاده از ارقام سود گزارش‌شده، کیفیت سود باید مدنظر قرار گیرد. کیفیت سود را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد؛ پایداری سود، سطوح ارقام تعهدی و سودی که منعکس‌کننده معاملات اقتصادی مربوط است [۳].

پرتر [۱۵] رابطه بین راهبرد رشد سود و کیفیت سود را بررسی کرد. نتایج بیانگر آن است که شرکت‌های با استراتژی رشد درآمد نسبت به شرکت‌های با استراتژی کاهش هزینه، کیفیت سود بالاتری دارند. چان و دیگران [۸] به بررسی ارتباط بین کیفیت سود و بازده سهام پرداختند. آنها نشان دادند شرکت‌های با ارقام تعهدی بالا از گزارشگری تأخیری در مورد اخبار بد استفاده می‌کنند. این شرکت‌ها به افزایش حساب‌های دریافتی و حساب‌های پرداختی و موجودی کالا گرایش دارند؛ به طوری که تغییرات در حساب‌های دریافتی، حساب‌های پرداختی و موجودی کالا با بازده آتی رابطه معنادار منفی دارد.

دچو و دیچو [۱۰] به دنبال معرفی معیارهایی برای ارزیابی کیفیت سود بودند. لذا آنها در پژوهشی که انجام دادند، پایداری سود و مدیریت سود را به‌عنوان معیارهای کیفیت سود معرفی کردند. ارتیمور و دیگران [۱۱] واکنش سرمایه‌گذاران به درآمد و هزینه پیرامون اعلام اولیه سود را بررسی کردند. یافته‌های آنها حاکی از آن است که سرمایه‌گذاران برای یک دلار افزایش غیرمنتظره درآمد، نسبت به یک دلار کاهش غیرمنتظره هزینه، ارزش بیشتری قائل‌اند. دمرجیان و دیگران [۹] به بررسی تاثیر ویژگی‌های مدیران (توانایی‌های مدیران) بر کیفیت سود پرداختند. نتایج آنها بیانگر این مطلب است که کیفیت سود (ارقام تعهدی و جریان‌های نقدی) با توانایی مدیران افزایش می‌یابد. این نتیجه با فرضیه آنها که مدیران مستعدتر توانایی بهتری در برآورد ارقام تعهدی دارند، یکسان است. لو [۱] معتقد است که مدیریت سود با کیفیت سود پایین همراه است و فقدان مدیریت سود، تضمینی برای کیفیت سود نمی‌باشد؛ زیرا سایر مولفه‌ها در کیفیت سود نیز نقش دارند. برای مثال، دقت پایین حسابداران، گزارش‌های مالی با کیفیت پایین ارائه می‌دهد. بنابراین وی به بررسی رابطه میان مدیریت سود و کیفیت سود پرداخت. یافته‌های او تأکید می‌کند که مدیریت سود با کیفیت سود رابطه معکوس معناداری دارد؛ یعنی شرکت‌هایی که

از مدیریت سود بهره می‌گیرند، کیفیت سود پایین‌تری دارند و بالعکس. الاتر و دیگران [۶] به بررسی رابطه بین ارقام تعهدی غیرعادی و کیفیت سود پرداختند. نتایج مطالعه آنها بیانگر آن است که میان ارقام تعهدی غیرعادی و جریان‌های نقدی یک سال آتی، رابطه مثبت معناداری وجود دارد. چارلس و مارکوویچ [۷] به بررسی رابطه بین تحصیل شرکت و کیفیت سود پرداختند. تحصیل شرکت، فعالیت اقتصادی مهمی است که ۵٪ فعالیت سالیانه ارزش بازار سهام را در بر می‌گیرد. هم‌افزایی و گسترش شعب دو محرک اصلی برای تحصیل شرکت‌ها هستند. آنها در این مطالعه فرض کردند در صورتی که هدف از تحصیل هم‌افزایی باشد، کیفیت سود افزایش می‌یابد. در غیر این صورت، زمانی که هدف از تحصیل ایجاد یا گسترش شعب باشد، کیفیت سود پایین خواهد بود. آنها جریان نقد عملیاتی را به عنوان معیار کیفیت سود در نظر گرفتند و سپس به آزمون فرضیه‌های فوق پرداختند. نتایج مبین تأیید فرضیه‌های فوق بود.

گل و دیگران [۱۳] اثر حساب‌برسان متخصص صنعت با دوره تصدی کوتاه‌مدت بر کیفیت سود را بررسی کردند. یافته‌ها حاکی از آن است، کیفیت سود شرکت‌هایی که دارای حساب‌برسان متخصص با دوره تصدی کوتاه‌مدت هستند، نسبت به شرکت‌هایی که از حساب‌برسان غیرمتخصص با دوره تصدی کوتاه‌مدت استفاده می‌کنند، بیشتر است. اولین مطالعه در مورد بررسی رابطه بین جنسیت مدیران عالی و کیفیت سود در چین، توسط یه و دیگران [۱۶] انجام شد. آنها با استفاده از یک نمونه بزرگ از شرکت‌های چینی تحقیق فوق را عملی کردند. یافته‌های آنها بر خلاف یافته‌های شرکت‌های توسعه‌یافته آمریکایی نشان می‌دهد که کیفیت سود (پایداری سود، دقت سود جاری برای پیش‌بینی جریان‌های نقدی آتی) در شرکت‌هایی با مدیران عالی زن و مرد، تفاوت معناداری ندارد. پناهیان و رضانی [۲] به بررسی و تبیین رابطه بین کیفیت سود و بازده غیرعادی انباشته، حول خبر صدور سهام جدید شرکت‌هایی که از محل مطالبات و آورده‌های غیرنقدی افزایش سرمایه داده‌اند، پرداختند. در این مطالعه کیفیت سود با استفاده از الگوی تعدیل‌شده جونز ۱۹۹۱ و بازده غیرانباشته با استفاده از الگوی بازار اندازه‌گیری شد. همچنین برای آزمون ارتباط بین کیفیت سود و بازده غیرعادی انباشته از تحلیل واریانس و تحلیل رگرسیون بهره گرفته شد. نتایج حاصل از هر دو آزمون تحلیل واریانس و رگرسیون نشان داد، رابطه معناداری بین کیفیت سود و واکنش بازار به خبر صدور سهام جدید وجود ندارد.

ثقفی و سدیدی [۳] رابطه میان محافظه‌کاری و کیفیت سود و نرخ بازده را بررسی کردند. نتایج حاکی از آن است که شاخص کیفیت سود معرفی شده بر مبنای محافظه‌کاری می‌تواند بخشی از تفاوت نرخ بازده دارایی‌های عملیاتی و نرخ بازده سهام جاری را با سال بعد بیان کند. به عبارتی واحدهای اقتصادی که رویه‌های محافظه‌کارانه را اعمال می‌کنند، می‌توانند با تغییر سرمایه‌گذاری در دارایی‌های عملیاتی، کیفیت سود واحد را تغییر دهند.

رابطه بین کیفیت سود و سود تقسیمی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران به‌وسیله علوی طبری و دیگران [۴] مورد بررسی قرار گرفت. برای اندازه‌گیری کیفیت سود، چهار معیار اقلام تعهدی مطرح‌شده در الگوی دچو و دیچو (۲۰۰۲)، وجود اقلام استثنایی، تجدید ارائه صورت سود و زیان و همبستگی پیرسون بین درآمد عملیاتی جاری و آتی به عنوان متغیرهای مستقل و سود تقسیمی، نسبت سود تقسیمی به ارزش بازار هر سهم در تاریخ مجمع و تغییرات سود تقسیمی به‌عنوان متغیرهای وابسته انتخاب و سه فرضیه طراحی شد. نمونه‌های آماری تحقیق شامل ۸۵ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران برای دوره پنج ساله ۱۳۸۵-۱۳۸۱ است. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها نشان می‌دهد با معیار تجدید ارایه صورت سود و زیان، شرکت‌هایی که کیفیت سود بالاتری دارند، سود تقسیمی را در زمان مقرر پرداخت نمی‌کنند؛ با معیار وجود اقلام استثنایی، شرکت‌هایی که کیفیت سود بالاتر دارند، سود تقسیمی بیشتری پرداخت می‌کنند و هیچ‌کدام از چهار معیار کیفیت سود با تغییرات سود تقسیمی رابطه معناداری ندارند.

بررسی تأثیر اقلام تعهدی بر کیفیت سود در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران به‌وسیله نوروش و دیگران [۵] مورد بررسی قرار گرفت. بدین منظور کیفیت اقلام تعهدی به کمک انحراف استاندارد جز خطا، یعنی خطای برآورد اقلام تعهدی در الگوی دچو و دیچو ۲۰۰۲ محاسبه و کیفیت سود بر مبنای پایداری سود اندازه‌گیری شد. نمونه نهایی متشکل از شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران در دوره ۱۳۸۴ الی ۱۳۸۷ می‌باشد و کلیه آزمون‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS انجام شده است. نتایج حاصل از پژوهش حاکی از آن است که در بورس اوراق بهادار تهران با کاهش کیفیت اقلام تعهدی و در نتیجه افزایش خطای برآورد اقلام تعهدی، ضریب پایداری سود و در نتیجه کیفیت سود، کاهش می‌یابد. نتایج این پژوهش مشابه با پژوهش‌های قبلی از جمله پژوهش‌های دچو ۱۹۹۴ و اسلوان ۱۹۹۶ دچو و دیچو ۲۰۰۲ است.

پرسش‌ها و فرضیه‌های تحقیق

پرسش اصلی تحقیق

آیا شرکت‌هایی که افزایش سود آنها همراه با افزایش درآمد است، نسبت به شرکت‌هایی که افزایش سود آنها همراه با افزایش درآمد نیست، کیفیت سود بالاتری دارند؟

پرسش‌های فرعی تحقیق

۱. آیا شرکت‌هایی که افزایش سود آنها همراه با افزایش درآمد است و سود عملیاتی آنها نیز افزایش می‌یابد، نسبت به شرکت‌هایی که افزایش سود آنها همراه با افزایش درآمد است، ولی سود عملیاتی آنها افزایش نمی‌یابد، کیفیت سود بالاتری دارند؟
۲. آیا شرکت‌هایی که افزایش سود آنها همراه با افزایش درآمد نیست ولی سود عملیاتی آنها افزایش می‌یابد، نسبت به شرکت‌هایی که افزایش سود آنها همراه با افزایش درآمد نیست و سود عملیاتی آنها نیز افزایش نمی‌یابد، کیفیت سود بالاتری دارند؟

فرضیه اصلی تحقیق

شرکت‌هایی که افزایش سود آنها همراه با افزایش درآمد است، نسبت به شرکت‌هایی که افزایش سود آنها همراه با افزایش درآمد نیست، کیفیت سود بالاتری دارند.

فرضیه‌های فرعی

۱. شرکت‌هایی که افزایش سود آنها همراه با افزایش درآمد است و سود عملیاتی آنها نیز افزایش می‌یابد، نسبت به شرکت‌هایی که افزایش سود آنها همراه با افزایش درآمد است، ولی سود عملیاتی آنها افزایش نمی‌یابد، کیفیت سود بالاتری دارند.
۲. شرکت‌هایی که افزایش سود آنها همراه با افزایش درآمد نیست ولی سود عملیاتی آنها افزایش می‌یابد، نسبت به شرکت‌هایی که افزایش سود آنها همراه با افزایش درآمد نیست و سود عملیاتی آنها نیز افزایش نمی‌یابد، کیفیت سود بالاتری دارند.

جامعه آماری، نمونه آماری و قلمرو زمانی تحقیق

جامعه آماری در این تحقیق، شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران است. شرکت‌های نمونه تا قبل از پایان اسفند سال ۱۳۷۹ در بورس پذیرفته شده‌اند و داده‌های شرکت‌ها طی سال‌های ۱۳۸۲ الی ۱۳۸۷ تجزیه و تحلیل شده است. در انتخاب شرکت‌های نمونه، شرایط زیر اعمال شده است:

۱. شرکت‌ها باید تا پایان اسفند سال ۱۳۷۹ در بورس پذیرفته شده باشند.
۲. شرکت‌ها نباید سال مالی خود را طی دوره‌های مورد نظر تغییر داده باشند.
۳. سال مالی شرکت‌ها باید منتهی به پایان اسفند هر سال باشد.
۴. شرکت‌ها نباید طی دوره‌های مورد نظر توقف فعالیت داشته باشند.
۵. اطلاعات مورد نیاز آنها در بخش تعریف متغیرها باید در دسترس باشد.
۶. به دلیل تفاوت عمده فعالیت‌های شرکت‌های صنعت واسطه‌گری مالی با شرکت‌های سایر صنایع، شرکت‌های نمونه از شرکت‌های صنعت واسطه‌گری مالی نباشد.
۷. حداقل دو سال متوالی افزایش در سود داشته باشند.
۸. از کلیه شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس، ۹۵ شرکت دارای شرایط مذکور می‌باشند. در این تحقیق کلیه این شرکت‌ها به‌عنوان نمونه انتخاب شده‌اند.

روش پژوهش

در این پژوهش شرکت‌های با حداقل دو سال متوالی افزایش در سود، به عنوان شرکت‌های نمونه انتخاب شده و در گروه G قرار گرفته‌اند. سپس شرکت‌های فوق بر اساس راهبرد افزایش سود به دو گروه S، شرکت‌های با راهبرد افزایش درآمد و NS، شرکت‌های با راهبرد کاهش هزینه تقسیم شده‌اند. مبنای تفکیک شرکت‌های با راهبرد افزایش درآمد از شرکت‌های با راهبرد کاهش هزینه، افزایش حداقل دو سال متوالی در درآمد می‌باشد؛ به طوری که شرکت‌های با افزایش حداقل ۲ سال متوالی در درآمد، به عنوان شرکت‌های با راهبرد افزایش درآمد طبقه‌بندی شده و در گروه S قرار گرفته‌اند و شرکت‌های فاقد افزایش حداقل سال متوالی در درآمد، به عنوان شرکت‌های با راهبرد کاهش هزینه طبقه‌بندی شده و در گروه NS قرار گرفته‌اند. گروه S به دو گروه SO، شرکت‌هایی با افزایش سود عملیاتی و گروه SNO، شرکت‌هایی با افزایش سود غیرعملیاتی تقسیم شده‌اند. گروه NS نیز شامل دو گروه NSO، شرکت‌هایی با افزایش سود عملیاتی و گروه NSNO، شرکت‌هایی با افزایش سود غیرعملیاتی می‌باشد.

الگوهای تحقیق

معیار کیفیت سود در این تحقیق پایداری سود است و برای آزمون پایداری سود از الگوهای فریمن السون و پنمن (۱۹۸۲) به شرح زیر استفاده می‌شود:

الگوی ۱:

$$E_{t+1}/P_t = b_0 + b_1 E_t/P_{t-1} + b_2 E_{t+1}/P_{t-1} + b_3 E_t/P_{t-1} * D_t S + b_4 E_t/P_{t-1} * D_t NS_t + D_t NS_{t+1}$$

الگوی ۲:

$$E_{t+1}/P_t = b_0 + b_1 E_t/P_{t-1} + b_2 E_{t+1}/P_{t-1} + b_3 E_t/P_{t-1} * D_{SO} + b_{32} E_t/P_{t-1} * D_t SNO + b_{41} E_t/P_{t-1} * D_t NSO + b_{42} E_t/P_{t-1} * D_t NSNO$$

E_{t+1}/P_t : سود هر سهم در سال $t+1$ تقسیم بر قیمت هر سهم در پایان تیر ماه سال t برای شرکت‌هایی که افزایش در سود دارند.

E_t/P_{t-1} : زیان هر سهم در سال t تقسیم بر قیمت هر سهم در پایان تیر ماه سال $t-1$ برای شرکت‌هایی که افزایش در سود ندارند.

E_{t+1}/P_{t-1} : سود هر سهم در سال t تقسیم بر قیمت هر سهم در پایان تیر ماه سال $t-1$ برای شرکت‌هایی که افزایش در سود ندارند.

E_t/P_{t-1} : سود هر سهم در سال t تقسیم بر قیمت هر سهم در پایان تیر ماه سال $t-1$ برای شرکت‌هایی که افزایش در سود دارند.

$D_t S$: متغیر دامی برای گروه S ، ۱ و برای سایر گروه‌ها ۰ در سال t .

$D_t SO$: متغیر دامی برای گروه SO ، ۱ و برای سایر گروه‌ها ۰ در سال t .

$D_t SNO$: متغیر دامی برای گروه SNO ، ۱ و برای سایر گروه‌ها ۰ در سال t .

$D_t NS$: متغیر دامی برای گروه NS ، ۱ و برای سایر گروه‌ها ۰ در سال t .

$D_t NSO$: متغیر دامی برای گروه NSO ، ۱ و برای سایر گروه‌ها ۰ در سال t .

$D_t NSNO$: متغیر دامی برای گروه $NSNO$ ، ۱ و برای سایر گروه‌ها ۰ در سال t .

الگوی ۱ برای آزمون پایداری سود گروه‌های S و NS (فرضیه اصلی) به کار می‌رود. در این الگو b_i معرف پایداری سود است. پیش‌بینی می‌شود که $b_3 > b_4 > 0$ باشد و این بدان معناست که پایداری سود در گروه S نسبت به NS بیشتر می‌باشد. الگوی ۲ برای آزمون پایداری سود گروه‌های SO ، SNO ، NSO و $NSNO$ (فرضیه فرعی اول و دوم) به کار می‌رود. در این الگو b_i بیانگر پایداری سود است. پیش‌بینی می‌شود که $b_{31} > b_{32} > 0$ ، $b_{41} > b_{42} > 0$ باشد و این بدان معناست که پایداری سود در گروه SO نسبت به SNO و در گروه NSO نسبت به $NSNO$ بیشتر می‌باشد.

نتایج آزمون فرضیه‌ها

جدول ۱ بیانگر ضرایب الگوی رگرسیونی و معناداری آنها برای فرضیه اصلی اول با استفاده از الگوی ۱ است.

جدول ۱. نتایج آزمون فرضیه اصلی تحقیق

متغیر	ضریب	آماره t	سطح معناداری
ثابت (b ₀)	۰/۱۰۰	۵/۵۹۱	۰/۰۰۰
(b ₁) E _t / P _{t-1}	۱/۲۲۱	۱۴/۱۱۹	۰/۰۰۰
(b ₂) E _t / P _{t-1}	۰/۶۶۷	۶/۴۵۲	۰/۰۰۰
(b ₃) E _t / P _{t-1} * DS	۰/۲۷۰	۳/۴۵۱	۰/۰۰۱
(b ₄) E _t / P _{t-1} * DNS	۰/۴۸۵	۹/۲۶۸	۰/۰۰۰
R ² تعدیل یافته الگو	۰/۴۵۶		
مقدار آماره F برای الگو	۹۰/۲۳۷		
سطح معناداری الگو	۰/۰۰۰		

از آنجا که مقدار R² به نسبت بزرگ است، نشان از این دارد که مدل فوق الگوی مناسبی است و همچنین از آنجا که سطح معناداری الگو نیز برابر با ۰/۰۰۰ و از مقدار خطای آزمون یعنی $\alpha = ۰/۰۵$ کمتر است، بنابراین فرض صفر آماری یعنی $H_0: b_1=b_2=b_3=b_4 = 0$ رد و معناداری حداقل یکی از متغیرهای الگو $H_1: b_i \neq 0$ و $i=1,2,3,4$ پذیرفته می‌شود. حال که معناداری الگو پذیرفته شد، به معناداری تک تک متغیرهای الگو می‌پردازیم. با توجه به اینکه سطح معناداری به دست آمده برای متغیرهای اول و دوم موجود در الگو از مقدار خطای آزمون یعنی $\alpha = ۰/۰۵$ کمتر است، بنابراین فرض صفر آماری متناظر با هر متغیر یعنی $H_0: b_i = 0$ $i=1,2$ رد و معنادار بودن متغیر مزبور $H_1: b_i \neq 0$ $i=1,2$ تأیید می‌شود. همچنین با توجه به اینکه سطح معناداری به دست آمده برای متغیرهای سوم و چهارم موجود در الگو از مقدار خطای آزمون یعنی $\alpha = ۰/۰۵$ کمتر هستند، بنابراین فرض صفر آماری متناظر با هر متغیر یعنی $H_0: b_i = 0$ $i=3,4$ رد می‌شود و معنادار بودن متغیر مزبور $H_1: b_i \neq 0$ $i=3,4$ پذیرفته می‌شود. همچنین مشاهده می‌کنیم که ضرایب متغیرهای $E_t / P_{t-1} * DS$ و $E_t / P_{t-1} * DNS$ مثبت هستند، ولی در رابطه $b_3 > b_4$ صدق نمی‌کند. این امر منجر به رد فرضیه اصلی تحقیق می‌شود. این بدان معناست، شرکت‌هایی که افزایش سود آنها همراه با افزایش درآمد است، نسبت به شرکت‌هایی که افزایش سود آنها همراه با افزایش درآمد نیست سود با کیفیت‌تری ندارند.

جدول ۲ بیانگر ضرایب الگوی رگرسیونی و معناداری آنها برای فرضیه فرعی اول و دوم با استفاده از الگوی ۲ است.

جدول ۲. نتایج آزمون فرضیه‌های فرعی اول و دوم تحقیق

متغیر	ضریب	آماره t	سطح معناداری
ثابت (b_0)	۰/۰۹۵	۵/۱۴۶	۰/۰۰۰
$(b_1) E_t / P_{t-1}$	۱/۲۱۶	۱۴/۰۴۲	۰/۰۰۰
$(b_2) E_{t+1} / P_{t-1}$	۰/۶۹۱	۶/۵۵۶	۰/۰۰۰
$(b_{31}) E_t / P_{t-1} * DSO$	۰/۲۲۱	۲/۰۱۸	۰/۰۴۴
$(b_{32}) E_t / P_{t-1} * DSNO$	۰/۳۳۷	۳/۳۷۴	۰/۰۰۱
$(b_{41}) E_t / P_{t-1} * DNSO$	۰/۷۳۹	۳/۴۷۲	۰/۰۰۱
$(b_{42}) E_t / P_{t-1} * DNSNO$	۰/۴۶۱	۸/۶۴	۰/۰۰۰
R^2 تعدیل یافته	۰/۴۵۶		
مقدار آماره F برای الگو	۶۰/۴۵۱		
سطح معناداری الگو	۰/۰۰۰		

از آنجا که مقدار R^2 الگوی به نسبت بزرگ است، نشان از این دارد که الگوی مناسبی است و همچنین از آنجا که سطح معناداری الگو نیز برابر با ۰,۰۰۰ و از مقدار خطای آزمون یعنی $\alpha=۰/۰۵$ کمتر است بنابراین فرض صفر آماری یعنی $b_i \neq 0$ رد و معنی داری حداقل یکی از متغیرهای مدل $H_0: b_1=b_2=b_{31}=b_{32}=b_{41}=b_{42}=0$ پذیرفته می‌شود. $H_1: i=1,2,31,32,41,42$ تک تک متغیرهای الگو می‌پردازیم. با توجه به اینکه سطح معناداری به دست آمده برای همه متغیرهای الگو از مقدار خطای آزمون یعنی $\alpha=۰/۰۵$ کمتر است، بنابراین فرض صفر آماری متناظر با هر متغیر یعنی $H_0: b_i=0$ $i=1,2,31,32,41,42$ رد و معنادار بودن متغیر مزبور $H_1: b_i \neq 0$ $i=1,2,31,32,41,42$ تأیید می‌شود. ضرایب b_{31} و b_{32} و b_{41} و b_{42} همگی مثبت هستند و با توجه به اینکه شرط $b_{31} > b_{32} > 0$ برقرار نمی‌باشد ولی شرط $b_{41} > b_{42} > 0$ برقرار است، بنابراین فرضیه فرعی اول رد و فرضیه فرعی دوم پذیرفته می‌شود. این بدان معناست، شرکت‌هایی که افزایش سود آنها همراه با افزایش درآمد است و سود عملیاتی آنها نیز افزایش می‌یابد، نسبت به شرکت‌هایی که افزایش سود آنها همراه با افزایش درآمد است، ولی سود عملیاتی آنها افزایش نمی‌یابد، سود با کیفیت‌تری ندارند. لیکن شرکت‌هایی که افزایش سود آنها همراه با افزایش درآمد نیست ولی سود عملیاتی آنها افزایش می‌یابد، نسبت به

شرکت‌هایی که افزایش سود آنها همراه با افزایش درآمد نیست و سود عملیاتی آنها نیز افزایش نمی‌یابد، سود با کیفیت‌تری دارند.

نتیجه‌گیری

پرتر [۵] بیان داشت شرکت‌هایی که راهبرد رشد درآمد را دنبال می‌کنند، نسبت به شرکت‌هایی که راهبرد کاهش هزینه را دنبال می‌کنند، کیفیت سود بالاتری دارند. همچنین گاش و همکاران [۱۲] نیز اظهار داشتند شرکت‌هایی که افزایش سود را همراه با افزایش درآمد تجربه می‌کنند، نسبت به شرکت‌هایی که افزایش سود را همراه با افزایش درآمد ندارند، کیفیت سود بالاتری دارند. از جمله دلایل وجود این رابطه این است که مدیریت درآمدها سخت‌تر از مدیریت هزینه‌هاست؛ زیرا در صورت شناسایی درآمد، درآمد توسط حسابرسان موشکافانه بررسی می‌شود، ولی در صورت عدم ثبت هزینه‌ها، پیگیری آن برای حسابرسان با مشکل مواجه خواهد بود [۱۱]. برخلاف نتایج تحقیقات فوق، یافته‌های این تحقیق در بررسی فرضیه اصلی نشان می‌دهد رابطه معناداری بین افزایش سود همراه با افزایش درآمد با کیفیت سود وجود ندارد. به عبارتی، شرکت‌هایی که افزایش سود آنها همراه با افزایش درآمد است، نسبت به شرکت‌هایی که افزایش سود آنها همراه با افزایش درآمد نیست، کیفیت سود بالاتری ندارند.

نتایج حاصل از آزمون فرضیه فرعی اول بیان می‌کند شرکت‌هایی که افزایش سود آنها همراه با افزایش درآمد است و سود عملیاتی آنها نیز افزایش می‌یابد، نسبت به شرکت‌هایی که افزایش سود آنها همراه با افزایش درآمد است ولی سود عملیاتی آنها افزایش نمی‌یابد، سود با کیفیت‌تری ندارند. بر اساس تحقیق گاش و همکاران (۲۰۰۴)، شرکت‌هایی که افزایش سود آنها همراه با افزایش درآمد است و سود عملیاتی آنها نیز افزایش می‌یابد، نسبت به شرکت‌هایی که افزایش سود آنها همراه با افزایش درآمد است ولی سود عملیاتی آنها افزایش نمی‌یابد، سود با کیفیت‌تری دارند.

مطابق با تحقیق گاش و همکاران، نتایج به‌دست آمده از بررسی فرضیه فرعی دوم بیان می‌کند شرکت‌هایی که افزایش سود آنها همراه با افزایش درآمد نیست ولی سود عملیاتی آنها افزایش می‌یابد، نسبت به شرکت‌هایی که افزایش سود آنها همراه با افزایش درآمد نیست و سود عملیاتی آنها نیز افزایش نمی‌یابد، سود با کیفیت‌تری دارند. تفاوت بین نتایج این تحقیق با تحقیقات مشابه، می‌تواند ناشی از محدودیت‌های پژوهش که در زیر به آنها اشاره می‌شود یا عدم کارایی بازار سرمایه ایران باشد.

محدودیت‌های پژوهش

این پژوهش یک دوره زمانی ۷ ساله از سال ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۷ را مورد بررسی قرار داده است. عوامل زیادی از قبیل شرایط سیاسی و اقتصادی سبب شد تا نتوانیم شرکت‌های با حداقل سه سال متوالی افزایش در سود را انتخاب کنیم.

پیشنهاد‌های حاصل از پژوهش

نتایج پژوهش نشان داد شرکت‌هایی که افزایش سود آنها همراه با افزایش درآمد است، نسبت به شرکت‌هایی که افزایش سود آنها همراه با افزایش درآمد نیست، کیفیت سود بالاتری ندارند. با توجه به نتایج تحقیقات مشابه خارجی، مبانی نظری و محدودیت‌های این پژوهش که به‌نظر تأثیر به‌سزایی در نتایج آن داشته است به سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان پیشنهاد می‌شود که برای تصمیم‌گیری، علاوه بر سود و روند آن به اجزای تشکیل‌دهنده سود (درآمدها و هزینه‌ها) و روند آنها هم توجه کنند.

پیشنهاد می‌شود در تحقیقات آتی از سایر معیارهای ارزیابی کیفیت سود استفاده شود. به علاوه پیشنهاد می‌شود این پژوهش در صنایع مختلف اجرا شود. همچنین می‌توان تحقیقات آتی را در دوره‌های زمانی ۱۰ یا ۱۵ ساله انجام داد.

منابع

۱. ایمانی‌برندقی، محمد (۱۳۸۵) ارائه مدلی برای رابطه بین کیفیت سود و بازده سهام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پایان‌نامه دکتری، دانشگاه تربیت مدرس.
۲. پناهیان، حسین و علی‌اکبر رضانی (۱۳۸۶) "بررسی رابطه بین کیفیت سود و بازده غیرعادی انباشته حول خبر صدور سهام جدید شرکت‌هایی که از محل مطالبات و آورده‌های غیر نقدی افزایش سرمایه داده‌اند"، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، شماره ۵۰، تهران، ۸۳.
۳. خواجوی، شکرا... و امین ناظمی، (۱۳۸۴) "بررسی ارتباط بین کیفیت سود و بازده سهام با تاکید بر نقش ارقام تعهدی در بورس اوراق بهادار تهران"، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، شماره ۴۰، تهران، ۳۷.
۴. سدید، مهدی (۱۳۸۷) اثر محافظ‌کاری بر کیفیت سود و بازده سهام، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.
۵. علوی طبری، سیدحسین، ویدا مجتهدزاده، غلامرضا سلیمانی امیری و یلدا عاملی، (۱۳۸۸) "رابطه کیفیت سود و سود تقسیمی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران"، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، شماره ۵۶، تهران، ۹۳.
۶. نوروش، ایرج، بیتا مشایخی و زهرا برقی، (۱۳۸۸) "بررسی تاثیر ارقام تعهدی بر کیفیت سود در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران"، فصلنامه حسابداری مالی، شماره ۳، اصفهان، ۳۱.
7. Al-Attar, A., Hussain, S., and Zuo, L.Y. (2008) "Earnings Quality, Bankruptcy Risk and Future Cash Flows", Accounting and Business Research, 1, 5-20.
8. Charles, A., Barragato, A., and Markelevich, A. (2008) "Earnings Quality Following Corporate Acquisitions", Managerial Finance, 5, 304-315.
9. Chan, K., Chan, L., Jegadeesh, N., and Lakonishok, J. (2001) "Earnings Quality and Stock Returns: The Evidence from Accruals", [Online] (Cited 24 Jun 2010) Available From <URL: http://www.SSRN.Com>.
10. Demerjian, P., Lev, B., and McVay, S. (2006) "Managerial Ability and Earnings Quality", [Online] (Cited 24 Jun 2010) Available From <URL: http://www.SSRN.Com>.
11. Dichev, L., and Dechow, P. (2001) "The Quality of Accruals and Earnings: The Role of Accrual Estimation Errors", [Online] (Cited 24 Jun 2010) Available From <URL: http://www.SSRN.Com>.
12. Ertimure, Y., Livnat, J., and Martikainen, M. (2003) "Differential Market Reactions to Revenue and Expense Surprises", Review of Accounting Studies, 8, 185-211.
13. Ghosh, A., Gu, Z., and Jain, P. (2004) "Sustained Earnings and Revenue Growth, Earnings Quality, and Earnings Response Coefficients", Review of Accounting Studies, 10, 33-57.
14. Gul, F.A., KitFung, S.Y., and Jaggi, B. (2009) "Earnings Quality: Some Evidence on the Role of Auditor Tenure and Auditors Industry Expertise", Journal of Accounting and Economics, 47, 265-287.

15. Lo, K. (2007) "*Earnings Management and Earnings Quality*", Journal of Accounting and Economics.
16. Porter, M. (1980) "*Competitive Strategy Techniques for Analyzing Industry and Competitors*", Harvard Business Review, 61-78.
17. Ye, K., Zhang, R., and Rezaee, Z. (2010) "*Does Top Executive Gender Diversity Affect Earnings Quality? A Large Sample Analysis Of Chinese*", Advances in Accounting, incorporating Advances in International Accounting, 26, 47-5.